



چرا پیامبر(ص) نام حسین(ع) را از پسران هارون گرفت/ سرانجام انگشتی امام حسین(ع)

نامگذاری امام حسن و امام حسین علیهما السلام توسط پیامبر (ص) و با وحی الهی صورت گرفت چنانکه بر اساس روایات هنگامی که امام حسین (ع) متولد شد...

نامگذاری امام حسن و امام حسین علیهما السلام توسط پیامبر (ص) و با وحی الهی صورت گرفت چنانکه بر اساس روایات هنگامی که امام حسین (ع) متولد شد، خدای متعال به جبرئیل (ع) وحی کرد که: «پسری برای محمد، متولد شده است. بر او فرود آی و شاد باش گو و به او بگو: علی برای تو، مانند هارون برای موسی است. پس او را به نام پسر هارون نام بگذار».

منابع حدیثی و تاریخی، سال ولادت امام حسین (ع) را مختلف گزارش کرده اند، لیکن بنابر اکثر منابع و مشهورترین روایات، سال ولادت امام حسین (ع) سال چهارم هجری است و عمر ایشان در وقت شهادت، به سال ۶۱ هجری، ۵۶ سال و چند ماه بود. حضرت شش سال و چند ماه از این مدت را با جدش پیامبر خدا (ص) بود و پس از وفات ایشان، ۳۰ سال با پدرش امیرالمؤمنین علی (ع) زیست و پس از وفات پدرش، ۱۰ سال با برادرش امام حسن (ع) بود و پس از وفات برادرش نیز ۱۰ سال تا هنگام شهادتش ماند.

حسین بن علی (ع) روز سوم شعبان سال چهارم هجرت در مدینه چشم به جهان گشود و نور وجودش جهانیان را روشنی بخشید. در این مورد، در کتاب «مصباح المتهجد» به متن نامه امام حسن عسکری (ع) به یکی از وکلایش اشاره شده است که امام عسکری (ع) به وکیل خویش «قاسم بن علای همدانی» چنین نگاشته اند: ... مولای ما، امام حسین (ع) روز پنج شنبه، سه روز از شعبان گذشته، متولد شد. پس، آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوَلَادَتِهِ ... «خدایا! تو را به حق مولود این روز می خوانم؛ مولودی که پیش از زاده شدن و به دنیا آمدنش، وعده شهادتش داده شد ...»**.

پیامبر(ص) پس از ولادت حسین(ع) چه گروهی را نفرین کرد

و بر اساس روایتی معتبر، فاطمه (س) ۱۰ روز پس از تولد امام حسن (ع)، امام حسین (ع) را حامله شد و بر اساس نقل های بسیار، مدت حمل ایشان شش ماه بود؛ در الأمالی شیخ طوسی به نقل از هشام، از امام صادق (ع) آمده است: بارداری فاطمه (ع) به امام حسین (ع)، شش ماه شد و دو سال شیر خورد و این، سخن خدای عز و جل است که: «و انسان را به نیکی به پدر و مادرش سفارش کرده ایم. مادرش او را با سختی بار گرفته و به سختی زاده است و بار گرفتن و از شیر گرفتن او سی ماه است». در عیون أخبار الرضا (ع) به سندش از امام زین العابدین (ع) چنین آمده است: اسماء بنت عمیس برایم ... نقل کرد: پس از یک سال، حسین (ع) متولد شد و پیامبر (ص) فرمود: «ای اسماء! پسر من را به من بده». او را در پارچه سفیدی به ایشان دادم. پیامبر (ص) در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و او را در دامنش نهاد و گریست. گفتم: پدر و مادرم فدایت! چرا می گویی؟ پیامبر (ص) فرمود: «بر این پسر من گریم». گفتم: او الآن متولد شده است، ای پیامبر خدا! فرمود: «پس از من، گروه ستمکار، او را می کشند. خداوند، شفاعتم را به آنان نرساند!». سپس فرمود: «ای اسماء! این را به فاطمه مگو، که او را تازه به دنیا آورده است».

یکی از سنتهایی که در میان مسلمانان مشهور است و از رفتار پیامبر(ص) در هنگام تولد حسین(ع) بر جای مانده است، صدقه دادن به میزان وزن موی نوزاد است. در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» از امام صادق(ع) چنین روایتی نقل شده است که حضرت فرمود: پیامبر (ص) به فاطمه فرمان داد و فرمود: «موی حسین را وزن کن و همسنگ آن، نقره صدقه بده و یک ران از گوسفند عقیقه را به قابله او بده». همچنین امام باقر(ع) در این باره می فرماید: پیامبر (ص) یک گوسفند برای حسین (ع) عقیقه کرد و فرمود: «ای فاطمه! سرش را بتراش و هموزن آن، صدقه بده». ما آن را وزن کردیم. یک درهم بود.

و نیز اسماء بنت عمیس گفت: ... روز هفتم تولد حسین (ع)، پیامبر (ص) نزد من آمد و فرمود: «پسر من را بیاور» او را آوردم و با او همان گونه کرد که با حسن(ع) کرده بود و یک قوچ سپید برای او عقیقه کرد، همان گونه که برای حسن (ع) کرده بود و رانش را به قابله داد و سرش را تراشید و هموزن مویش، نقره مسکوک صدقه داد و بر سرش عطر مالید و فرمود: «خون مالیدن بر سر، سنت جاهلی است».

نحوه نام گذاری امام حسین(ع)/ کنیه خاص حسین بن علی(ع)

بر پایه شماری از روایات، نام گذاری امام حسن و امام حسین علیهما السلام، توسط پیامبر (ص) و با وحی الهی صورت گرفت. این نام ها، نام فرزندان هارون (جانشین موسی (ع)) است؛ همان «شَبْر» و «شَبِیر» که در زبان عربی، به «حسن» و «حسین» ترجمه می شوند. بر اساس برخی نقل های دیگر، نام امام حسین (ع) در تورات، «شَبِیر» و در انجیل، «طاب» است. گفتنی است نام های «حسن» و «حسین»، در میان اعراب جاهلی وجود نداشته است. کنیه امام حسین (ع)، «ابوعبد الله» و کنیه خاص او «ابوعلی» است. القاب ایشان، بسیار است، از قبیل: رشید، طیب، وفی، سید، زکی، مبارک، مطهر، الشاری

تَقْسَهُ لَه ، نافع ، ولی ، ابو الأئمه ، ثار الله ، سیط ، سیط ثانی ، سیط الأسباط ، سیط رسول الله ، سید الشهداء ، سید شباب أهل الجته ، شهید سعید ، شهید کربلا ، امام شهید ، التابع لمرضاة الله ، الدلیل علی ذات الله ، و امام مظلوم .

پیامبر (ص) به علی بن ابی طالب (ع) فرمود : «هنگامی که خداوند عز و جل آدم (ع) را آفرید و از روح خود در او دمید و فرشتگانش را برای او به سجده در آورد و در بهشت خود ، جایش داد و کنیز خود ، حوا را به همسری اش در آورد ، آدم به عرش چشم دوخت و در آن جا ، پنج سطر نوشته دید پرسید : پروردگارا! اینها چه کسانی اند؟ خدای عز و جل به او گفت : اینان کسانی اند که چون آفریدگانم آنان را شفیع درگاهم کنند ، می پذیرم . آدم گفت : پروردگارا! به حق منزلت آنان نزد تو ، نام هایشان چیست؟ خدای متعال گفت : نفر اول ، من ، محمود و او ، محمد است . دوم ، من ، عالی هستم و او ، علی است . سوم ، من ، فاطر هستم و او ، فاطمه است . چهارم ، من ، محسن هستم و او ، حسن است . پنجم ، من ، دارای احسان هستم و او ، حسین است ، که همگی ، خدای عز و جل را می ستایند .»

در روایات درباره نحوه نامگذاری امام حسین(ع) چنین آمده است که چون حسین (ع) متولد شد، خدای متعال به جبرئیل (ع) وحی کرد که : «پسری برای محمد ، متولد شده است . بر او فرود آی و شاد باش گو و به او بگو : علی برای تو ، مانند هارون برای موسی است . پس ، او را به نام پسر هارون ، نام بگذار» . جبرئیل (ع) فرود آمد و از جانب خدای متعال به او شادباش گفت و سپس گفت : «خدای عز و جل به تو فرمان می دهد که او را به نام پسر هارون بنامی» . پیامبر (ص) فرمود : نام او چه بوده است؟ جبرئیل گفت : «شَبِیر» . پیامبر (ص) فرمود : زبان من ، عربی است . جبرئیل گفت : «او را حسین بنام» .

امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال یکی از یاران خویش درباره این سخن خدای متعال : «پیش از وی ، همانام او را نیافریده بودیم» فرمود : «مقصود ، حسین بن علی و یحیی بن زکریا هستند که هیچ کس پیش از آن دو ، این نام ها را نداشتند و آسمان ، جز بر آن دو ، بر کسی 40 روز نگریست» . گفتم : گریه آسمان ، چگونه بود؟ فرمود : «[خورشید ،] سرخ طلوع می کرد و سرخ غروب می کرد»

سرانجام انگشتی امام حسین(ع)/ نقش نگین انگشتی سیدالشهدا(ع)

در الامالی شیخ صدوق به نقل از محمد بن مسلم چنین آمده است که از امام صادق (ع) پرسیدم : انگشت حسین بن علی (ع) به چه کسی رسید؟ و نیز به ایشان گفتم : شنیده ام که در واقعه عاشورا ، از انگشتش بیرون کشیده شده است. فرمود : «آن گونه که گفته اند ، نیست . حسین (ع) به فرزندش علی بن الحسین (ع) ، وصیت کرد و انگشتش را در انگشت او نمود و کارش را به او واگذار کرد ، همان گونه که پیامبر خدا (ص) با امیرمؤمنان علی (ع) کرد و امیر مؤمنان (ع) با حسن (ع) و حسن (ع) با حسین (ع) . سپس آن انگشت ، پس از پدرش ، به پدرم و از او به من رسید و اکنون ، نزد من است و من هر جمعه ، آن را به دست می کنم و با آن ، نماز می خوانم» . روز جمعه ، در حالی که امام صادق (ع) نماز می خواند ، بر او در آمدم . چون از نماز فارغ شد ، دستش را به سوی من دراز کرد و انگشتی در انگشتش دیدم که نقشش چنین بود : «لا إله إلا الله عُدَّةٌ لِلِقَاءِ اللَّهِ» (یعنی: «ذکر لا إله إلا الله ، ساز و برگ دیدار با خداست») . سپس [امام علیه السلام] فرمود : «این انگشت جدم ابوعبد الله حسین بن علی علیه السلام است» .

همچنین شیخ صدوق در الامالی به نقل از علی بن سالم و او از امام صادق (ع) و ایشان از پدرش امام باقر(ع) نقل می کند : حسین بن علی (ع) دو انگشت داشت که نقش یکی از آنها ، «ذکر لا إله إلا الله ، ساز و برگ دیدار با خداست» و نقش دیگری ، این بود : «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» . (یعنی «خداوند ، به انجام رساننده فرمان خویش است»)

گوشت و خون حسین(ع) از وجود پیامبر(ص) روییده شد

در روایات اسلامی درباره دوران شیرخوارگی امام حسین(ع) گفته شده است که امام حسین(ع) ، نه از فاطمه (س) و نه از هیچ زن دیگری شیر نخورد ؛ بلکه او را نزد پیامبر (ص) می آوردند و ایشان انگشت شست خود را در دهان او می گذارد و حسین (ع) به اندازه ای می مکید که دو سه روزش را کفایت می کرد . از این رو ، گوشت حسین (ع) از گوشت و خون پیامبر (ص) رویید . همچنین ابن شهر آشوب در المناقب به این مطلب اشاره دارد که : فاطمه (س) هنگامی که حسین (ع) را به دنیا آورد ، بیمار شد و شیرش خشک گردید . پیامبر (ص) زن شیردهی را جستجو کرد ؛ اما نیافت . پس خود نزد حسین (ع) می آمد و انگشت شستش را در دهان او می نهاد و حسین (ع) آن را می مکید . خداوند ، روزی ای در انگشت شست پیامبر (ص) نهاده بود که حسین (ع) را با آن ، تغذیه می کرد .

روایت سلمان فارسی از نحوه غذا خوردن حسین(ع) از دست پیامبر (ص)

سلمان فارسی می گوید : بر پیامبر (ص) در آمدم . حسن و حسین علیهما السلام غذا می خوردند . پیامبر (ص) يك بار در دهان حسن (ع) لقمه می نهاد و يك بار در دهان حسین (ع) . چون غذا خوردن تمام شد ، پیامبر (ص) ، حسن (ع) را بر گردن و حسین (ع) را بر روی ران خود نهاد و سپس فرمود : «ای سلمان ! آیا اینان را دوست داری؟» . گفتم : ای پیامبر خدا ! چگونه آنها را دوست نداشته باشم ، در حالی که نزد تو چنین جایگاهی دارند؟! فرمود : «ای سلمان ! هر کس اینان را دوست بدارد ، مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد ، خدا را دوست داشته است» . سپس دستش را بر شانه حسین (ع) نهاد و

فرمود: «او، امام پسر امام است. 9 تن از نسل او، امامانی نیک و امین و معصوم اند و نهمین آنان، قائم (قیام کننده) ایشان است».

همسران امام حسین (ع) و سرنوشت آنها

بر پایه گزارش منابع تاریخی، امام حسین (ع) در طول زندگی، با پنج زن، ازدواج کرده است که در این جا به شرح کوتاهی در باره آنان می پردازیم.

«شهربانو»

طبق نظر مشهور، شهربانو دختر یزدگرد (آخرین پادشاه ساسانی)، همسر امام حسین (ع) و مادر امام زین العابدین (ع) است. این شهر آشوب، وی را مادر علی اصغر نیز معرفی می کند. همچنین گفته شده است که وی مادر زینب و امّ کلثوم، بوده که در کودکی از دنیا رفته اند. در چگونگی ازدواج شهربانو با امام حسین (ع)، گفته اند که وی پس از شکست سپاه ایران، به اسارت مسلمانان در آمد و امام حسین (ع) با وی، ازدواج کرد. تاریخ اسارت و زمان ازدواج را برخی منابع، دوران خلافت عمر، برخی زمان خلافت عثمان و برخی عصر حکومت امام علی (ع) دانسته اند. از زمان ولادت وی، اطلاعی در دست نیست و برخی نقل ها، وفات وی را زمان ولادت امام زین العابدین (ع) دانسته اند. در مقابل رأی مشهور، برخی مصادر، مادر امام زین العابدین (ع) را شاه زنان دختر شیرویه پسر خسرو پرویز، برخی بَرّه دختر نوشجان و برخی دختر سبحان یا صنجان، برادرزاده ماهویه (مرزبان مرو)، دانسته اند. برخی محققان، این رأی را که مادر امام زین العابدین (ع) شهربانو دختر یزدگرد باشد، با توجه به اختلاف شدید منابع و پاره ای ناسازگاری های درونی گزارش ها، به شدّت، مورد تردید قرار داده اند، گرچه در مقابل این تردید، هیچ نظریه دیگری را مطرح نساخته اند.

اما در الکافی به نقل از جابر و او از امام باقر (ع) نقل می کند که حضرت فرمود: «هنگامی که دختر یزدگرد را بر عمر، وارد کردند، دوشیزگان مدینه برای تماشایش آمدند و مسجد [پیامبر (ص)] از نور ورودش روشن شد. چون عمر بر او نگریست، [آن بانو] صورت خود را پوشاند و گفت: اف به روزگار هرمز باد! عمر گفت: آیا به من دشنام می دهد؟ و قصد [تنبیه] او را کرد. امیر مؤمنان، علی (ع)، به او فرمود: تو چنین حقی نداری. او را در گزینش مردی از مسلمانان، آزاد بگذار و او را سهم غنیمی همان مردی قرار ده که برگزیده است. آن دختر آمد تا دستش را بر سر حسین (ع) گذاشت. امیرمؤمنان، علی (ع)، به او فرمود: نام تو چیست؟ گفت: جهان شاه. امیرمؤمنان (ع) به او فرمود: بلکه شهربانو. سپس به حسین (ع) فرمود: ای ابوعبد الله! همانا او برای بهترین زمینیان را به دنیا می آورد. او علی بن الحسین (امام زین العابدین (ع)) را به دنیا آورد. از این رو، به علی بن الحسین (ع)، فرزند دو سلسله برگزیده می گفتند: برگزیده عرب، هاشم، و برگزیده غیر عرب، فارس».

«للیلی»

لیلی، مادر علی اکبر (ع)، یکی دیگر از همسران امام حسین (ع) است. نام وی را آمنه، بَرّه و مَرّه نیز گفته اند. پدر او، ابو مَرّه، صحابه پیامبر (ص) و مادرش میمونه، دختر ابوسفیان است. جدّ لیلی، عروّه بن مسعود ثقفی، از بزرگان صحابه است که در رُخداد صلح حدیبیه، به نمایندگی از قریش، نزد پیامبر (ص) آمد. پیامبر (ص) وی را پس از اختیار کردن اسلام، جهت تبلیغ دین، به سوی قبیله اش ثقیف فرستاد و وی بر اثر اصابت تیری به شهادت رسید. چون خبر شهادت وی به پیامبر (ص) رسید، فرمود: مثل عروه، مثل صاحب یاسین است که قومش را به سوی خدا دعوت کرد؛ ولی آنها او را گشتند. (مؤمنی که خداوند، داستان او را در آیه 20 سوره «یس» آورده است)

در مورد زندگی این بانو، از جمله تاریخ ولادت و وفات، مدت عمر، زمان ازدواج و...، آگاهی های معتبری در دست نیست. سند معتبری برای حضور او در واقعه کربلا وجود ندارد؛ بلکه برخی متأخران، درگذشت او را قبل از واقعه کربلا دانسته اند. ارتباط نسبی لیلی با ابوسفیان از ناحیه مادر، سبب شد که طبق نقلی، معاویه، علی اکبر (ع) را شایسته ترین فرد برای خلافت بداند و نیز در روز عاشورا، امویان به وی امان دهند، که وی با آن، مخالفت ورزید.

«رَبَاب»

رَبَاب، یکی دیگر از همسران امام حسین (ع) است. پدرش، امرؤ القیس بن عدی، از مسیحیان شام بود که در روزگار خلافت عمر، اسلام آورد و مادرش، هند دختر ربیع بن مسعود است. وی را زنی زیبارو، خردمند، بافضیلت و شاعر، توصیف کرده اند. رَبَاب، مادر سکینه و عبد الله است که به همراه فرزندان در کربلا حضور داشت و به همراه اسرا به شام رفت. شعر امام حسین (ع) در مدح او و سکینه، نشان دهنده علاقه فراوان امام (ع) به آنان است. رَبَاب، پس از شهادت همسرش امام حسین (ع)، يك سال بیشتر زنده نماند و در تمام این مدت، به زیر سایه نرفت و برخی گفته اند در کنار مزار امام حسین (ع) به سوگ نشست و سپس از غم فراق او از دنیا رفت. این اشعار، در رثای امام حسین (ع) از او نقل شده است: «وَا حُسَيْنَا! [هیچ گاه] حسین را از یاد نخواهم برد که نیزه های دشمنان، بدن او را چاک چاک کرد. در کربلا به نیرنگ، او را بر زمین زدند، خداوند کران تا کران کربلا را سیراب نکند!

و نیز رَبَاب بر شهادت همسرش حسین (ع)، چنین مرثیه خواند: «إِنَّ الَّذِي كَانَ نورا يُسْتَضَاءُ بِهِ بِكَرْبَلَاءَ قَتِيلٌ غَيْرُ مَدْفُونٍ / سَيْطُ التَّيِّبِ جَزَاكَ اللَّهُ صَالِحَةً عَتَا، وَجَبَّيْتُ حُسْرَانَ الْمَوَازِينِ / قَدْ كُنْتُ لِي جَبَلًا صَعْبًا أَلُوْدُ بِهِ وَكُنْتُ تَصَحُّبُنَا بِالرَّحْمِ وَالِدَيْنِ / مَنْ

لِيَتَامَى وَمَنْ لِّلسَّائِلِينَ وَمَنْ يُغْنِي وَيَأْوِي إِلَيْهِ كُلُّ مُسْكِينٍ / وَاللَّهُ لَا أَبْتَغِي صِهْرًا بِصَهْرِكُمْ حَتَّىٰ أَعْيَبَ بَيْنَ الرَّمْلِ وَالطِّينِ ...»
یعنی : آن که نوری پرتوافشان بوده است اکنون ، کشته دفن نشده کربلاست/ نواده پیامبر ! خدا تو را از سوی ما جزای نیکو دهد [تو] از زیان وزن اعمال [در قیامت] ، دور گشته ای / تو برای من کوهی سخت بودی که به آن پناه می بردم و تو با رحمت و دینداری ، با ما مصاحبت می کردی / [پس از تو] چه کسی برای یتیمان باشد و چه کسی برای درخواست کنندگان و چه کسی نیاز را برطرف کند و مسکینان ، به او پناه برند؟/ به خدا سوگند ، پس از تو با هیچ کس دیگری ازدواج نخواهم کرد تا آن که میان شن و گِل ، مدفون و ناپیدا شوم .

پس از شهادت امام حسین (ع) ، اشراف قریش از او خواستگاری کردند؛ ولی او تن به ازدواج نداد. اما در الکامل فی التاریخ چنین آمده است که همراه حسین (ع)، همسرش رَبَاب (دختر امرؤ القیس و مادر دخترش سَکینه) بود . او در میان اسیران ، به شام برده شد و سپس به مدینه بازگشت و بزرگان قریش از او خواستگاری کردند و او گفت: نمی خواهم پس از پیامبر خدا (ص) ، پدرشوهری برگزینم . او پس از [شهادت] امام (ع) ، يك سال زیر هیچ سقفی نرفت تا فرسوده شد و از افسردگی در گذشت .

«اُمّ اسحاق»

یکی دیگر از همسران امام حسین (ع)، ام اسحاق – که نامش دانسته نیست – است. پدرش طلحة بن عبید الله تیمی و مادرش جَرَبَا ، دختر قُسامه ، از قبیله طى است. معاویه ، از وی برای یزید ، خواستگاری کرد؛ ولی او با امام حسن مجتبی (ع) ازدواج نمود و ثمره این ازدواج، دو پسر به نام های حسین (با لقب اَثرَم) و طلحه ، و يك دختر به نام فاطمه بود. این فاطمه ، همان همسر امام زین العابدین (ع) و مادر امام باقر (ع) است که در کربلا نیز حضور داشت. امام حسن مجتبی (ع) به هنگام شهادت، به امام حسین (ع) چنین وصیت کرد: «ای برادر! اُمّ اسحاق را از خانه هایتان ، بیرون مکنید» . از این رو ، امام حسین (ع) پس از شهادت برادرش، با اُمّ اسحاق ازدواج کرد و از او صاحب دختری به نام فاطمه شد. اُمّ اسحاق ، پس از شهادت امام حسین (ع) ، با عبد الله بن محمد بن عبد الرحمان بن ابی بکر ، ازدواج کرد. از زندگانی اُمّ اسحاق، اطلاعات بیشتری در دست نیست.

«اُمّ جعفر»

اُمّ جعفر ، یکی دیگر از همسران امام حسین (ع) است. وی را زنی از قبیله بَلّی بن قُضاعة دانسته اند و گاه به نام سُلَافه ، معرفی شده است. وی ، مادر جعفر بن حسین است. از وی ، اطلاعات بیشتری در دست نیست.